



۲۰۲۱/۰۷/۰۲

خلیل الله معروفی

باز هم داستان دو لغت مورد مناقشه "قرنطین" - "کشودن"

پیش از رفتن به اصل مطلب، تذکر دو نکته را لازم میدانم:

- عزیزی، که حوصله و اشتیهای خواندن چنین موضوعات را ندارند، لطف کنند و خود را زحمت ندهند!!!
- و شاید هم بعض کسان بگویند، که در شرائط حادث و مهلک وطن عزیز ما، نباید خود را با مسائل فرعی و عرضی و جانبی مشغول ساخت، بلکه فکر و ذکر خود را باید به همان یک نقطه و همان یک نکته فوکس و معطوف کرد!!!
این سخن مگر قرین صواب نیست و اگر در همین شرائط حادث و مهلک و بیحد خطرناک و به اصطلاح فیشنی، "سرنوشت ساز"، سری به وطن بزنیم و وضع مردم خود را بررسی کنیم، از چنین "وارخطائی روشنفکرانه" منصرف خواهیم گشت. بهتر است از مردم خود و از توده های ملیونی ملت خود بیاموزیم، که در سختترین شرائط هم، نشاط و انبساط و خنده و مزاق (مزاح) و ساز و سرود و خوشگذرانی و ساعت تیری و میله و هواخوری و برپا کردن محافل عروسی و ختنه سوری و ... را فراموش نکرده اند. آنقدر "تالار عروسی" و "بساط نشاط"، که در این چار دهه ملتبه و پُر لیل و نهار، ساخته شده اند، در طول تاریخ ما نظیر ندارد!!! آنقدر آبادی و آبادانی و مدرنیزه شدن همه امور حیاتی را، که در همین مدت پرتشنج و پر خون و آتش مبینیم، در طول تاریخ خود مشاهده کرده نمیتوانیم. ملتها ضمن کشمکشها و کشاکشها، ساخته میشوند. مللی، که امروز در صلح و صفاء و آرامش کامل و در رفاه و ثبات به سر میبرند، نیز گذشته ای پُر التهاب داشتند. در بسا کشورها "صلح" از طریق و مسیر "جنگ" گذشته است.

- بگذارید، که ملت ما و وطن عزیز و صدها بار بالاتر از جان ما، در بُحْبُوحه همین کشاکش، ساخته شود!!!
- و بگذارید، که ما نسلهای "بیکاره" و "خمود و جمود" و "تنبل" و "راحت طلب" و "بیغمباش" برویم و میدان را برای نسلهای "پویا و جویا و پرتکاپو و پرتحرک و پرتلاش"، خالی کنیم!!!

از "نصیحتهای پدرا نه" میگذرم و به اصل موضوع میروم:

درین چند هفته بحثهای داغ و پُر التهابی در مورد املای درست کلمات خارجی در زبانهای عزیز ملی و رسمی ما، "دری و پشتو" صورت گرفت، که تعداد معتنا به و پنداران ارجمند ما در آن شرکت کردند. اشتراک وسیع و گسترده درین مباحثات نشان داد و ثابت ساخت، که این موضوع، کدام مسأله "پیش پای افتاده" نیست، بلکه علاقه فراوان موجود است، تا به "صحت و توحید املائی" در زبانهای خود دست یابیم.

ابتداءً موضوع "بتری و بطری" بود و بعد "کشودن و گشودن" بدان اضافه شد و بالاخره پای مسأله "قرنطین" به میدان آمد. سه روز پیش این کامنت و پندار بسیار عزیزم، آقای "امین جان رحیمی" را خواندم:

اسم: امین رحیمی محل سکونت: هالند تاریخ: ۲۹/۰۶/۲۰۲۱

شماره ۱ از ۵ صفحه

برای ارسال مقالات به روی لینک ذیل کلیک نمایید!

info@arianafghanistan.com

جناب محترم استاد معروفی!

تشکر از شما که به خواهش من لیبیک گفتید و قسمت دوم بطری/بتری را نشر نمودید. خواندم آموزنده بود. خانه آباد!!!
روی تصادف امروز بحث دوستان را در قسمت "قرنطین" مطالعه نمودم.
از یکطرف برخورد دوستان مایوس کننده بود و از طرف دیگر اینکه این کلمه در زبان عربی موجود نیست چه رسد به آنکه از زبان عربی به لاتین انتقال شده باشد. آنچه جناب عزیزی با مأخذ ارائه نمودند به نظر من سند معتبر است.
حالا سوال از استاد گرامی معروفی که در زمینه هم ابراز نظر نمودند هنوز هم نظرشان ثابت است یا تجدید نظر کردند؟

این کامنت مرا بر آن داشت، تا کامنت دوست عزیز و قدیم، جناب "نبیل جان عزیزی" را باز کرده و به اصطلاح شیرین عامیانه ما، "از نظر خریداری" بررسی کنم. این کامنت چنین نگاشته شده است:

اسم: نبیل عزیزی محل سکونت: آلمان تاریخ: ۲۷/۰۶/۲۰۲۱

دوستان گرامی باز هم مسئله "ت" و "ط"

چنانچه به خاطر دارید چندی قبل بحث روی کلمه قرنطین میان دوستان صورت گرفت که بعضی از دوستان ریشه کلمه قرنطین را عربی می‌گویند و بعضی از دوستان با مأخذ دقیق ریشه آنرا لاتین و یا فرانسوی.
جالب اینکه حتی یکی از دوستان بدون یاد آوری مأخذ و نشانی دقیق، صرف گویا در کتاب لغت عربی به انگلیسی که در خانه دارند ریشه کلمه را عربی قلمداد نمودند.

من به لغتنامه های عربی در اینترنت مراجعه نمودم تا دریابم که عربها به قرنطین چه می‌گویند. مأخذ

۱. کتاب لغت PONS. مَحْجَرٌ صِحِّيّ quarantine

۲. کتاب لغت Arabdict. مَحْجَر quarantine

۳. کتاب لغت Langenscheidt. حجر صحي Quarantäne

۴. گوگل ترجمان حجر quarantine

به جز از کتاب خانگی دوست ما که نمی خواهد حتی نام نویسنده و کتاب را معرفی نمایند، همه لغتنامه ها قرنطین را به عربی حجر ترجمه نموده اند.

اگر ریشه کلمه قرنطین از عربی باشد چرا آنها حجر می‌گویند؟

من تاکنون بدین عقیده بودم، که کلمه "قرنطین"، معرب کلمه اروپائی quarantaine است. تمسک من درین موضوع در رسته اول به دو مأخذ بود:

– اول این، که فرهنگ معتبر "معین"، این کلمه را به حیث "معرب" کلمه فرانسوی و انگریزی quarantaine ثبت کرده است. چنان، که در صفحه ۲۶۶۶ جلد دوم این فرهنگ چنین آمده است:

قرنطین [= قرنطینه] معرب کلمه فرانسوی و انگلیسی [quarantaine]

(اسم) جایی که در آن مسافرانی را که از سرزمینی وارد میشوند که در آنجا بیماری ساری مانند وبا و طاعون شیوع دارد، مدت چند روز نگهداری میکنند.

– "قاموس کبیر افغان جرمن آنالین" هم به نقل از "لغتنامه دهخدا" این کلمه را به شکل "قرنطینه" و به حیث معرب از انگریزی پیش کشیده بود

چون "لغتنامه دهخدا" با استفاده از یادداشتهای پراکنده و متفرق "علامه علی اکبر دهخدا"، از طرف انجمنی تحت سرپرستی "داکتر محمد معین" تدوین شده است، دو حالت را میتوان تصور کرد:

– یا این، که اصل اشتباه از "علامه دهخدا" سر زده و بعداً "داکتر معین" هم از آن متأثر شده باشد

– یا این، که این مغالطه را شخص "داکتر محمد معین" مرتکب شده است، که هم مؤلف "فرهنگ معین" است و هم تدوین "لغتنامه دهخدا" را رهبری میکرد.

در هر دو حالت، اشتباه این دو دانشمند بزرگ و نخبه ایران باعث گشته است، که تعداد بسیار زیاد استفاده کنندگان این دو کتاب لغت، از آن برداشت نادرست کنند و به اصطلاح به "بیراهه بروند" – هم در ایران و هم در افغانستان. من هم با تمسک به "فرهنگ معین" بدین عقیده بودم، که لغت "قرنطین" عربی و معرب کلمه quarantaine است.

البته یک تعداد کتب لغت دیگر مدون در ایران نیز باعث این مغالطه و برداشت نادرست من گشته بودند – از جمله "فرهنگ فارسی المانی" – اثر مشترک Heinrich Junker المانی و "بزرگ علوی" ایرانی!!!

قسمی، که در کامنت پریروزم در مناظرات "آریانا افغانستان آنلاین" صریحاً تذکر دادم، کامنتهای دوگانه دو دوست عزیز و گرامی – هرکدام "امین جان رحیمی" و "نبیل جان عزیزی" – مرا به تفحص و تکاپوی و جست و جوی انداخت، تا دریابم، که:

– آیا کلمه "قرنطین" در بین اعراب و در زبان عربی وجود دارد، یا نه؟؟؟

– و اگر این کلمه در زبان عربی سراغ نمیشود، کلمه جانشین و بدیل عربی این کلمه کدام است؟؟؟

و بالخاصه دریافت "نبیل جان عزیزی"، که صریحاً کلمه "حجر" را به حیث "لغت بدیل قرنطین" در عربی و نزد اعراب، قلمداد میکند، مرا هم به "تعجب" انداخت و هم به "شک"!!! چون معنای معمول کلمه "حجر" در زبان عربی، نه تنها در نزد من، بلکه در نزد همگان و همه خوانندگان، معلوم است. چه همه میدانیم، که اعراب کلمه "سنگ" زبان دری/فارسی را "حجر" مینامند. و چون بین "سنگ" و "قرنطین" هیچ مناسبتی را نتوانستم کشف کنم، باید به تفحص و پالیدن و جست و جوی میپرداختم و کتب مختلف و بیشمار لغت دستداشته ام را ورق زده میرفتم. با وجودی، که "نبیل جان عزیزی" منابع چارگانه عربی در اینترنت را معرفی کرده اند، اما طبیعت کنجکاو و شکاک من باید به تجسس مزید میپرداخت، تا حقایق موضوع بدون کوچکترین شائبه ای معلوم و ثابت گردند. و همین، که مردم ما همیشه و مدام الوقت گفته اند، که "عاقبت جوینده، یابنده بود!!!!"، ماحصل بخیر و صائب و نکو داشت. چون آخر الامر دریافتم:

– که "قرنطین" نه کلمه عربیست و نه کلمه معرب!!!

– و این، که باید مناسبت کلمه "حجر" با کلمه "قرنطین" را پیدا کنم!!!

در "فرهنگ اصطلاحات روز"، که یک قاموس "فارسی – عربی" و تألیف دو دانشمند نخبه ایرانی، "داکتر محمد غفرانی" و "داکتر مرتضی آیت الله زاده شیرازی" ست، علی الظاهر حلال مشکل خود را یافتم. آری؛ در صفحه ۲۴۸ همین کتاب چنین نوشته شده است:

قرنطینه: الْحَجَرُ الصَّحَى

بنا برین بدین نتیجه رسیدم، که کلمه بدیل "قرنطین" در زبان عربی، "حجر الصحی" ست. چون تناسب و مناسبت مستقیمی بین "حجر" و "قرنطین" را در آن یافتم، در حالی، که بین کلمات "حجر" و "قرنطین" چنین مناسبت معنایی موجود نیست!!! بعد از مطالعه همین قاموس بود، که آن کامنت را در مناظرات ۳۰ جون ۲۰۲۱ و بسایت محبوب و باوقار "آریانا افغانستان آنلاین" نوشتم. تا این، که کامنت محقق فرزانه جناب "داکتر محمد اکبر یوسفی" را خواندم، که نوشته اند:

اسم: محمد اکبر یوسفی محل سکونت: آلمان تاریخ: ۰۱/۰۷/۲۰۲۱
جناب محترم خلیل الله معروفی صاحب

با کمال احترام و باور به آگاهی شما در باره زبان و یا زبانها، حضور شما به عرض می‌رسانم که کلمه "Quarantine" در "فرهنگ کلمات آلمانی - عربی" با نام "لنگشاید" به معنی "حجر صحی" یاد شده است، که هدف از قراردادن در یک مکان بخاطر نجات کس و یا شئی از کدام مرض و یا از خطر آسیب دشمن و غیره باشد. با تلاش شخصی برای آموزش زبان عربی، بدون معلم، از خلال کتب ایکه در پوهنتونها تدریس می‌شود، تا یک اندازه درین زبان حل مشکل می‌توانم. حرف بر سر تخصص نیست. البته کلمه "حجر" که شما یاد کرده اید، به معنی "مانع"، جلوگیری، محل "ریزرف"؟ کردن یا "اطاق فرمایش دادن مثلاً در یک هوتل" یا قبلاً فرمایش دادن چوکی برای سفر در یک واسطه نقلی، "فارغ نگاه کردن" و غیره. حتی گرفتن اموال مسترد شده در معاملات خرید و فروش. اما آنچه به Quarantine ارتباط می‌گیرد، هدف از قرار دادن شخص و یا هر چه باشد، در یک محل است، که به خاطر دفع خطر، باید تحمل شود و یا آنوقت قیود مراعات شود.

«لَمْخَجَرُ الصَّحِي (بالإنجليزية: Quarantine) هو مكان يُعزل فيه أشخاص، أو أماكن، أو حيوانات، قد تحمل خطر العدوى.»

با احترام

یوسفی

با وجودی، که کامنت "نبیل جان عزیزی" را قبلاً در نظر گرفته بودم، مگر اینک کامنت داکتر صاحب "محمد اکبر یوسفی" باعث گشت، تا یکبار دیگر قوامیس دستداشته "عربی - عربی" و "عربی - فارسی" و "فارسی - عربی" را مرور کنم؛ و اینبار با دقت هرچه تمامتر و زیر ردیف "حجر".

با مرور دقیق قوامیس دستداشته بدین نتیجه رسیدم، که کلمه "حجر" با حرکات مختلف دو حرف اول، معانی مختلف را افاده میکند. ازین میان دو حالت مورد علاقه را پیش می‌گشتم:

- "حَجَر" (به فتحین یا با دو حرف اول مفتوح) همان مفهوم عامّ این کلمه در زبان "دری و پشتو" را افاده میکند، که در معنای "سنگ"، به همگان معلوم است.

- "حَجَر" (به فتح اول و سکون جیم) در معنای "مطلق منع کردن" و یا "تحریم کردن" است. و همین معناست، که تسمیه ترکیب "حَجَرُ الصَّحِي" را منطقاً توجیه میکند!!!

"اسم مکان" هردو کلمه در زبان عربی در هیئت "محجر" (بر وزن "محشر و منظر و محضر و معبر") و به دو معنای مختلف آمده است:

- یکی در معنای "معدن سنگ" - مفهوم اول

- و دیگر به معنای "مکان ممنوع" یا "مکان تحریم شده" - به مفهوم دوم

پس وقتی "محجر الصَّحِي" می‌گوئیم، به معنای "مکان قرنطین" است

اینک، که وجه تسمیه "حجر الصَّحِي" و "محجر الصَّحِي" برایم روشن و قابل فهم گشته است، از دل و جان این ترکیب را قابل قبول و منطقی می‌خوانم. تذکرات اضافی درین مورد خاص را، که منحصرأً به زبان عربی مربوط میشود، برای این بحث لازم نمیدانم!!!

و نکته مهم دیگر:

حالا، که معلوم شد، که "قرنطین" - با وجودی، که از سر تا پایش "عربیّت" می‌یابد - کلمه "عربی" نیست، پس با آن چگونه برخورد کنیم:

- آیا باز هم منهدم بدان بمانیم و آن را کماکان با همین املاء بنگاریم؟؟؟

- یا شیوه املاي این لغت را تصحیح کنیم؟؟؟

من عقیده خود را میگویم و ازین به بعد بدان وفادار خواهم ماند:

چون کلمه مورد مناقشه مستقیماً از زبانهای اروپائی به زبانهای ملی و رسمی ما "پشتو و دری"، اقتباس شده است، باید در املای آن پرنسیپهای زبانهای خود را تطبیق کنیم. اصل کلمه quarantaine است و مناقشه بر سر دو حرف است؛ یکی [q] و دیگر [t]

– حرف [q] در تعاملات زبانی، معادل حرف [ق] در "عربی و دری و پشتو" شناخته شده است. پس حرف اول؛ یعنی [ق] به حال خود باقی میماند!!!

– ولی معادل [t] در زبانهای "دری و پشتو" حرف [ت] است!!!

پس املای این کلمه به حساب من، "قرنتین" میشود، که باید جانشین "قرنطین" شود!!!

من شخصاً ازین به بعد "قرنتین" خواهم نوشت؛

دیگران خود دانند!!!

و نکته آخرین:

ضمن بررسی قاموسهای مختلف تصادفاً در "فرهنگ فارسی – عربی"، تألیف داکتر "محمدالتونجی"، نکته جالبی را پیدا کردم. اولاً باید بگویم، که "محمدالتونجی"، دانشمند سورپاتی ست، که دو دوکتورا در رشته زبان دارد:

– یکی دوکتورا در رشته ادبیات عربی از "پوهنتون دمشق"

– و دگر دوکتورای ادبیات زبان فارسی از "پوهنتون تهران"

ضمن ورق زدن صفحات متعدد این کتاب تصادفاً به کلمه "کشادن و کشودن" و مشتقات آن برخوردم، که ذکر آنها را برای بحث قبلی مفید میدانم. قبلاً دریافته بودیم، که مصادر "کشادن و کشودن" و مشتقات آنها در دری افغانستان و ماوراءالنهر یا پاردریا و نیمقاره هند، به همین شکل و با "کاف عربی" نوشته و تلفظ میشود. در حالی، که عین کلمات در تداول فارسی ایران با "گاف" معمول اند. اینک، که "فرهنگ محمدالتونجی" را مرور میکنم، این کلمات همه را با "کاف عربی" میبینم:

کشادن، کشودن، کشاد، کشود، کشایش، کشاده، کشادگی، کشاده دست، کشاده پیشانی، کشادنامه

ازین مثالها نتیجه میگیریم، که این مصدر و مشتقاتش، حتی در "فارسی ایران" هم مطلقاً به "گ" نوشته و تلفظ نمیگردند، بلکه:

اگر اکثریت مردم این کلمات را با حرف "گاف" مینگارند و تلفظ میکنند، هستند کسانی در ایران، که عین کلمات را با "کاف عربی" استعمال میکنند!!!

(خلیل الله معروفی – جرمنی – ۲ جولای ۲۰۲۱)



برای مطالب دیگر خلیل الله معروفی، بالای عکس کلیک کنید